

بررسی رابطه بین دلزدگی زناشویی و سبک های دلبستگی معلمان مرد متأهل دوره ابتدایی
 منطقه عشایر شهرستان لردگان

Relationship between marital disturbance and attachment styles of married male teachers in the tribal area of Lordegan city

Ahmad Reisi Sheikh Weisi *
 Master of Science in Psychology
raisiahmad73@gmail.com
Milad Jalil Piran
 Master of Science in Psychology
Yaser Vala Monfared
 Master of Science in Psychology

احمد رئیسی شیخ ویسی (نویسنده مسئول)
 کارشناسی ارشد روانشناسی
 میلاد جلیل پیران
 کارشناسی ارشد روانشناسی
 یاسر والا منفرد
 کارشناسی ارشد روانشناسی

چکیده

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between marital disturbance and spiritual attachment styles in married male teachers of the nomadic tribal district of Lordegan city. The statistical population in this research includes married male teachers of the nomadic tribal district of Lordegan city in the academic year of 1969-98, whose total number is 206. Using simple random sampling, 140 teachers participated in the research. The research questionnaires included Pain's marital disturbance (1996) and Collins and Reid's (1990) attachment style. Data were analyzed by the Pearson correlation coefficient and regression analysis. The results showed that all relationships between existing variables were significant. Also, attachment, anxiety attachment, physical exhaustion, and emotional exhaustion have explained 29% of the variance in the marital disturbance. The results of the stepwise regression analysis show that marital distress ($F = 6.65$, $P = 0.019$) can be predicted based on anxiety attachment styles and proximity. The most significant contribution in anticipation of marital anxiety was related to anxiety attachment style with $\beta = 0.168$ the next contribution to the attachment style of proximity, which has a share of $\beta = 0.163$ But the attachment style of attachment has no share, so it is removed from both models.

Key words: Marital disturbance, Attachment Styles, Teachers

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین دلزدگی زناشویی و سبک های دلبستگی معنوی در معلمان مرد متأهل دوره ابتدایی منطقه عشایر شهرستان لردگان بود. جامعه آماری در این تحقیق شامل معلمان مرد متأهل دوره ابتدایی منطقه عشایر شهرستان لردگان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ که تعداد کل آنها ۲۰۶ نفر می باشد با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۱۴۰ نفر از معلمان در پژوهش شرکت داده شدند. پرسشنامه های پژوهش شامل دلزدگی زناشویی پینز (۱۹۹۶) و سبک دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) بودند. داده ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تحلیل شدند. نتایج به دست آمده نشان داد که تمام روابط بین متغیرهای موجود معنادار بوده اند. همچنین دلبستگی نزدیک بودن، دلبستگی اضطرابی، خستگی جسمی و از پا افتادن عاطفی ۲۹ درصد واریانس دلزدگی زناشویی را تبیین کرده اند. نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام نشان می دهد که می توان دلزدگی زناشویی ($F=6/65$ و $P=0/019$) را بر اساس سبک های دلبستگی اضطرابی و نزدیک بودن پیش بینی کرد. بیشترین سهم در پیش بینی دلزدگی زناشویی مربوط به سبک دلبستگی اضطرابی با $\beta=0/168$ ، سهم بعدی مربوط به سبک دلبستگی نزدیک بودن که دارای سهمی برابر با $\beta=0/163$ می باشد. اما سبک دلبستگی وابستگی هیچ سهمی نداشته بنابراین از هر دو مدل حذف شده است.

کلید واژه ها: دلزدگی زناشویی، سبک های دلبستگی، معلمان.

مقدمه

خانواده، یک نظام اجتماعی طبیعی است که دست کم سه نسل رابطه ای را در بر می گیرد. رابطه ای اعضای این خرده فرهنگ ها عمیق و چندلایه است که عمدتاً بر اساس تاریخچه ای مشترک، ادراک ها و فرض های مشترک و درونی شده راجع به جهان و اهداف مشترک بنانهاده شده است. در چنین نظامی، افراد به وسیله ای علائق و درستی های هیجانی نیرومند، دیرپا و متقابل با یکدیگر پیوند یافته اند.

Relationship between marital disturbance and attachment styles of married male teachers in the tribal area of

ممکن است از شدت این علائق و دلبستگیها در طی زمان کاسته شود، اما بازهم علائق مزبور در سراسر زندگی به بقای خود ادامه خواهند داد. اهمیت شناخت و بررسی عواملی که سبب قوام و استحکام این نهاد اجتماعی می‌گردند، می‌تواند گامی مفید در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه باشد (اسدی، فتح‌آبادی، شریفی و فواد، ۱۳۹۲).

دزدگی وضعیت دردناکی است که کسانی را که توقع دارند عشق رؤیایی به زندگی‌شان معنا ببخشد، متاثر می‌سازد. دزدگی هنگامی بروز می‌کند که متوجه می‌شوند علی‌رغم تمام تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (عبادت پور و همکاران، ۱۳۹۲).

به عبارت دیگر، دزدگی زناشویی عدم انطباق بین وضعیتی که وجود دارد و وضعیتی که مورد انتظار است، می‌باشد. دزدگی زناشویی وقتی به وجود می‌آید که وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی با آنچه که وی انتظار داشته، منطبق نباشد و ناراضیتی زناشویی وقتی به وجود می‌آید که وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی با وضعیت مورد انتظار دلخواه فرد منطبق نباشد؛ یعنی حالتی که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و باهم بودن احساس شادمانی و رضایت ندارند (لی^۱ و همکاران، ۲۰۱۶).

دزدگی زناشویی زمانی بروز می‌کند که زوجین متوجه می‌شوند که علیرغم تلاش‌هایشان رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد. وقتی زن و شوهر از عشق و شیفتگی فاصله می‌گیرند، هر حادثه‌ای دلسردکننده‌ای برای توجیه برچسب زدن منفی به همسرشان کافی به نظر می‌رسد. شوهر در این شرایط حتی اگر یک‌بار حساسیت نشان نداد یک فرد بی‌احساس تلقی می‌شود. اگر زن ولو یک‌بار انتظار محبت شوهر را برآورده نکند نامهربان می‌شود (دینر^۲ و همکاران، ۲۰۱۲).

عوامل مختلفی دزدگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آن جمله می‌توان به خلق‌وخوی همسر، درآمد و اشتغال همسر، تفاهم فکری (عقاید، باورها و ارزش‌ها)، ارضای جسمانی و روانی همسر و سبک‌های دلبستگی اشاره کرد.

یکی از عوامل مهم که در سال‌های اخیر به آن توجه شده است و بر روی دزدگی تأثیر دارد تجارب اولیه فرد با والدین و یا نوع رابطه عاطفی فرد با والدین خود در دوران کودکی است. برخی از مطالعات تلاش کرده‌اند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه‌ی فرد در دوران کودکی می‌تواند وی را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد. دلبستگی یک پیوند عاطفی است که بین کودک و مراقب شکل می‌گیرد و با جستجو کردن، درآویختن و میل به بودن در کنار مراقب، مشخص می‌شود (لطفی، ۱۳۹۰).

جان بولبی پژوهش‌های گسترده‌ای درباره مفهوم دلبستگی به عمل آورد. او دلبستگی را چنین توصیف کرده است: «ارتباط و پیوند روانی پایدار بین دو انسان». بولبی با این دیدگاه روانکاوانه موافق بود که تجربیات اولیه کودکی، تأثیر مهمی بر رشد و رفتارهای بعدی در زندگی دارد. به عقیده او، سبک‌های دلبستگی اولیه ما در دوران کودکی و از طریق رابطه کودک / پرستار شکل می‌گیرد. بولبی همچنین عقیده داشت که دلبستگی دارای مؤلفه‌ای تکامل یافته است و به بقای انسان کمک می‌کند. «گرایش به ایجاد پیوندهای عاطفی قوی به افراد بخصوص، یک مؤلفه اصلی طبیعت انسان است.» (بالبی^۳، ۱۹۸۰).

بولبی عقیده داشت که دلبستگی دارای چهار ویژگی مختلف است:

- حفظ نزدیکی: تمایل به نزدیک بودن به کسانی که به آن‌ها دلبستگی داریم.
- پناهگاه امن: بازگشت نزد فردی که به آن دلبستگی داریم به هنگام مواجه شدن با خطر یا تهدید.
- پایه مطمئن: فردی که به آن دلبستگی وجود دارد، پایه مطمئن و قابل اتکایی برای کودک به وجود می‌آورد تا به کشف محیط و جهان پیرامونش بپردازد.

- اندوه جدایی: اضطراب ناشی از عدم حضور فردی که به آن دلبستگی وجود دارد (فینی و نولر^۴، ۲۰۱۷).

رجایی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی به این نتیجه دست یافتند که رضایتمندی زناشویی با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معنادار دارد.

عطاری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی دانشجویان مرد متأهل رابطه مثبت معنادار وجود دارد و بین سبک دلبستگی نایمن و رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد.

1- Lee

2 - Diener

3- Bowlby

4- Feeny&Nolle^r

عیدی و خانجانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی به این نتیجه رسیدند که زنان و مردان دارای سبک دلبستگی ایمن رضایت زناشویی بالاتری نسبت به سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا دارند و کمترین میانگین رضایت زناشویی متعلق به سبک دلبستگی اجتنابی است.

کرمی و حسنی پدram (۱۳۹۵) نشان دادند که اجتناب دلبستگی قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک یعنی رضایت زناشویی را دارد اما اضطراب دلبستگی این قدرت را ندارد.

حمیدی (۱۳۹۳) به این نتیجه رسید که دانشجویان متأهل با سبک‌های ایمن، از رضایتمندی زناشویی بالاتری برخوردارند و برعکس، یعنی دانشجویانی که از سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند، میزان رضایتمندی زناشویی آنان نیز به طور معناداری کمتر از افراد ایمن بود.

فتحی و همکاران (۱۳۹۱) بین دلبستگی ایمن و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار و بین دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با رضایتمندی زناشویی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

استارکس و هوگی^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی نشان دادند که معنویت با رضایت از زندگی همبستگی مثبت دارد.

فابریکاتور، هندل و فنزل^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی آشکار کردند که معنویت بر رضایتمندی کلی زندگی تأثیرگذار می‌باشد.

جانسون^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود رابطه بین سبک دلبستگی و تعهد را در مطالعه‌ای طولی بررسی کرد و به این نتیجه رسید که افراد ایمن تعهد بالایی را نسبت به همسر خود دارند؛ و افراد دارای دلبستگی اجتنابی و اضطرابی دارای تعهد و اعتماد پایینی در روابط زناشویی خود هستند

کلمنتس و سوانسون^۴ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی به این نتیجه دست یافتند که رضایتمندی زناشویی با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معنادار دارد.

ضرورت و اهمیت پرداختن به مسائل خانواده از آن جهت است که انسان همیشه در خانواده زندگی می‌کند و به عبارت دیگر هیچ مرحله رشدی در زندگی نداریم که یک فرد در آن بی‌نیاز از خانواده باشد. هر فردی در مقاطع مختلف زندگی خود به ترتیب زمانی نوزاد، کودک، نوجوان و جوان خانواده‌هایی است که در آن به دنیا می‌آید و بلافاصله در مراحل بعدی پدر، مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ دیگر می‌گردد. از طرف دیگر هر فرد حساس‌ترین زمان عمر خود را بدون اینکه طرح‌واره‌ای از نهادهای اجتماعی دیگر در ذهن خود داشته باشد در خانواده بسر می‌کند بدین ترتیب در اوان کودکی، سازمان نظام شناختی فرد از تجربه‌های مربوط به خانواده پایه‌ریزی می‌گردد؛ بنابراین مسائل مربوط به خانواده ضروری‌تر از مطالعه مسائل مربوط به هر نهاد اجتماعی دیگر به نظر می‌رسد (فتحی، ۱۳۹۱).

یکی از مشکلات اجتماعی خانواده‌ها در سطح جهانی مساله طلاق است و به نظر می‌رسد مهمترین مشکلات اجتماعی جامعه ما هم باشد زیرا کانون گرم خانواده را که مقدس‌ترین و ارزشمندترین کانون ماست از هم می‌پاشد (یدالله پور، ۱۳۹۳).

طلاق و افزایش روزافزون آن در قرن حاضر برای زنان و مردان متأهل و کسانی که در تدارک تشکیل خانواده هستند زنگ خطری بشمار می‌آید که مستلزم دارا بودن بصیرت کافی و آگاهی عمیق‌تر زنان و مردان از خصوصیات اخلاقی و روحی همدیگر در هنگام ازدواج است. در حال حاضر بسیاری از کشورهای صنعتی و پیشرفته میزان طلاق تا رقم ۵۰ درصد افزایش یافته است (موسوی، ۱۳۹۴).

بر اساس داده‌های موجود نسبت آمار طلاق به ازدواج در ایران در سال‌های مختلف حالتی نوسان دار و بدون ثبات دارد به طوری که به نظر می‌رسد این روند به شکل مستقیم از جریان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی تأثیر می‌پذیرد (مظاهری، ۱۳۹۵).

علاوه بر آن آمار نشان می‌دهد در سال ۱۳۵۵ میزان طلاق ۷/۱۰ درصد بود در سال ۱۳۶۰ کاهش یافته و به ۳/۸ درصد رسیده است در اوایل دهه ۶۰ شروع به افزایش نموده و در سال ۱۳۶۵ به ۳/۱۰ درصد رسیده از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰ نسبت طلاق به ازدواج نوسان‌های خفیفی دارد و در سال ۱۳۷۲ به کمترین حد ممکن در ۱۷ سال قبل یعنی ۳/۶ درصد رسید. از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ نسبت طلاق به ازدواج به تدریج افزایش یافته به طوری که در سال ۱۳۷۹ رشد ۳/۸ درصدی را نشان می‌دهد. افزایش ۱۲ درصدی طلاق در

1- Starks, & Hughey

2- Fabricator, Handle & Fenzel

3- Johnson

4- Clements & swensen

آمارهای موجود سال ۱۳۷۹ نسبت به سال ۱۳۷۸ افزایش ۱۴ درصدی در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹ روند افزایش این معضل را در جامعه کنونی ما گوشزد می کند و در دو، سه سال اخیر این روند افزایشی همچنان به قوت خود باقی است (عطاری، ۱۳۹۶).
 با توجه به تحقیقات انجام شده و همچنین اهمیت توجه به سلامت روان معلمان و نقش آن در پرورش جامعه‌ای سالم این تحقیق باهدف پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی در معلمان متأهل مقطع ابتدایی منطقه عشایر لردگان انجام شد. با توجه به مطالب مطرح شده این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا بین دلزدگی زناشویی و سبک های دلبستگی معلمان متأهل دوره ابتدایی رابطه وجود دارد؟

روش

جامعه آماری و روش نمونه گیری

این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری در این تحقیق معلمان متأهل مقطع ابتدایی منطقه عشایر شهرستان لردگان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود که تعداد کل آن‌ها ۲۰۶ نفر می‌باشد. حجم گروه نمونه بر اساس جدول مورگان ۱۳۲ نفر تعیین شد که به منظور پیش‌گیری از کاهش حجم گروه نمونه این تعداد به ۱۴۰ نفر افزایش داده شد. در این پژوهش به علت در دست داشتن لیست اسامی کل معلمان به صورت تصادفی ساده انجام گرفت. به این صورت که از لیست کلیه معلمان به صورت تصادفی ساده تعداد ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه دلزدگی زناشویی^۱ (CBM): این مقیاس توسط پینز (۱۹۹۶) ابداع گردید (پنیز و نانز، ۲۰۰۳) و ۲۰ ماده دارد که شامل ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثلا احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب) از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) می‌باشد تمام این موارد روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند. سطح ۱ معرف عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد ضریب اطمینان آزمون - باز آزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک‌ماهه، ۰/۷۶ برای یک دوره دوماهه و ۰/۶۶ برای دوره چهارماهه بود تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (پنیز، ۲۰۰۳). در ایران نیز نویدی (۱۳۸۴)، به نقل از عبادت پور و همکاران، (۱۳۹۲) آلفا کرونباخ این پرسشنامه را در مورد ۲۴۰ نمونه ۱۲۰ پرستار و ۱۲۰ معلم اندازه‌گیری کرد که مقدار آن ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولیز و رید^۲ (RAAS): در سال ۱۹۹۰ بر اساس نظریه هازان و شاور (۱۹۸۷) پرسشنامه سبک دلبستگی کولیز و رید (RAAS) را تهیه کردند. این پرسشنامه در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۸ آیتم کاهش یافت. این پرسشنامه سه زیر مقیاس دارد که عبارتند از:

سبک اضطرابی: (A) که با سبک دلبستگی دوسوگرا^۳ مطابقت دارد.

سبک نزدیک بودن: (C) که با سبک دلبستگی ایمن^۴ مطابقت دارد.

سبک وابستگی: (D) که با سبک دلبستگی اجتنابی^۵ مطابقت دارد.

با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰)، به نقل از حمیدی، (۱۳۹۶) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمودن مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که به طور تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است.

1- Marital Funeral Questionnaire

2- Choliz and Reid Attachment Styles Questionnaire

3- Ambivalent Attachment Style

4 - Secure Attachment Style

5 - Avoidant Attachment Style

روش اجرا

در اجرای این پژوهش به دلیل علاقه‌مندی به انجام تحقیق در میان معلمان، پس از ارائه درخواست کتبی به سازمان آموزش و پرورش و موافقت مدیر سازمان و هماهنگی جهت شرایط و نحوه و چهارچوب کلی انجام پژوهش و همچنین رفع موانع موجود در اجرای پژوهش و هماهنگی و همکاری برای اجرای مراحل مختلف و توجیه آنان اقدام گردید.

پس از انتخاب گروه نمونه و پرسشنامه‌های دزدگی زناشویی، سبک‌های دلبستگی میان گروه نمونه توزیع گردید و داده‌های گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، جداول توزیع فراوانی، تراکمی و درصد) و شاخص‌های آمار استنباطی (تحلیل رگرسیون چندگانه و همبستگی پیرسون) استفاده و تحلیل‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شده است.

یافته‌ها

جدول ۱. توزیع فراوانی نمونه بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
۳۰ سال و کمتر	۶	۴/۲۸	۴/۲۸
۳۱ تا ۴۰ سال	۵۸	۴۱/۴۲	۴۵/۷
۴۱ تا ۵۰ سال	۶۷	۴۷/۸۵	۹۳/۵۵
۵۱ تا ۶۰ سال	۹	۶/۴۲	۱۰۰
کل	۱۴۰	۱۰۰	

در جدول‌های ۲ تا ۴ به ترتیب میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق (دزدگی زناشویی، سبک‌های دلبستگی) و همچنین ابعاد آن‌ها ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف متغیرهای تحقیق (دزدگی زناشویی، سبک‌های دلبستگی)

متغیر	میانگین	انحراف معیار
دزدگی زناشویی	۶۷/۲۷	۷/۱۹
سبک‌های دلبستگی	۴۳/۶۲	۴/۳۱

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود اطلاعات کلی توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد در متغیرهای تحقیق (دزدگی زناشویی، سبک‌های دلبستگی) آمده است.

جدول ۳. میانگین و انحراف ابعاد دزدگی زناشویی (خستگی جسمی، از پا افتادن عاطفی، از پا افتادن روانی)

متغیر	میانگین	انحراف معیار
خستگی جسمی	۱۸/۶۷	۲/۹۶
از پا افتادن عاطفی	۱۹/۲۹	۳/۷۴
از پا افتادن روانی	۱۷/۳۷	۳/۳۱

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود اطلاعات کلی توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد در ابعاد دزدگی زناشویی (خستگی جسمی، از پا افتادن عاطفی، از پا افتادن روانی) آمده است.

جدول ۴. میانگین و انحراف ابعاد سبک های دلبستگی (سبک دلبستگی اضطرابی، نزدیک بودن و وابستگی)

متغیر	میانگین	انحراف معیار
سبک دلبستگی اضطرابی	۱۲/۸۴	۱/۳۴
سبک دلبستگی نزدیک بودن	۱۶/۹۲	۱/۲۷
سبک وابستگی	۱۳/۸۱	۱/۷۶

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می شود اطلاعات کلی توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد در ابعاد سبک های دلبستگی (سبک دلبستگی اضطرابی، نزدیک بودن و وابستگی) آمده است.

جدول ۵. نتایج آزمون نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای دزدگی زناشویی و سبک های دلبستگی

متغیر	درجه آزادی	Z	معناداری
دزدگی زناشویی	۱۴۰	۰/۳۸	۰/۱۳
سبک های دلبستگی	۱۴۰	۰/۳۴	۰/۱۶

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می شود سطح معنی داری به دست آمده بالاتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد. بنابراین با اطمینان بالا می توان گفت که داده ها در متغیرهای دزدگی زناشویی، سبک های دلبستگی نرمال می باشند.

جدول ۶. ضرایب همبستگی نمرات مربوط به دزدگی زناشویی و سبک های دلبستگی

متغیر	رضایت زناشویی	دزدگی	سبک های دلبستگی	هوش معنوی
۱		۱	*-۰/۱۱۵	**۰/۲۲۶
۲			۱	**۰/۳۴۳

نتایج جدول ۶ ضرایب همبستگی نمرات مربوط به دزدگی زناشویی، سبک های دلبستگی معلمان ارائه شده است. نتایج جدول نشان می دهد تمام متغیرهای پژوهش در سطح $(P < 0.01)$ و $(P < 0.05)$ با یکدیگر همبستگی معنادار داشته اند.

جدول ۷. ضریب همبستگی میان دزدگی زناشویی با سبک های دلبستگی

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سبک دلبستگی اضطرابی	۰/۲۱	۰/۰۰۲
سبک دلبستگی نزدیک بودن	-۰/۱۹	۰/۰۱
سبک دلبستگی وابستگی	۰/۰۹	۰/۱۵

نتایج به دست آمده از جدول ۷ نشان می دهد که سطح معنی داری به دست آمده در رابطه میان دزدگی زناشویی با سبک دلبستگی اضطرابی $(r = 0.21, p = 0.002)$ ، نزدیک بودن $(r = -0.19, p = 0.01)$ هست بنابراین رابطه میان آن ها معنی دار است؛ اما میان دزدگی زناشویی و سبک دلبستگی وابستگی $(r = 0.09, p = 0.15)$ رابطه معنی دار وجود ندارد.

جدول ۸. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام مربوط به پیش بینی دزدگی زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مربع حسابی	F	سطح معناداری	R ²
۱	۶۵۲۱/۸۵	۱	۶۵۲۱/۸۵	۷/۳۶	۰/۰۰۱	۰/۱۲
۲	۵۶۹۸/۷۴	۲	۵۶۹۸/۷۴	۸/۴۱	۰/۰۰۳	۰/۱۹

جدول ۸ نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام برای پیش‌بینی دزدگی زناشویی را بر اساس سبک‌های دلبستگی (اضطرابی، وابستگی و نزدیک بودن) نشان می‌دهد. بدین ترتیب که نرم‌افزار ابتدا سبک دلبستگی نزدیک بودن را وارد مدل کرده است. نتایج مدل ۱ نشان می‌دهد که این مدل معنادار است ($F=7/36$ و $P=0/001$) و مقدار R^2 مشاهده شده ۰/۱۲ هست. با این حال، در مدل (۲) رگرسیون با اضافه کردن سبک دلبستگی اضطرابی R^2 را به ۰/۱۹ افزایش داده است ($F=8/41$ و $P=0/003$). بنابراین پیش‌بینی متغیر دزدگی زناشویی نتیجه‌گیری می‌شود که می‌توان دزدگی زناشویی را بر اساس سبک‌های دلبستگی (اضطرابی و نزدیک بودن) پیش‌بینی کرد.

جدول ۹. ضرایب مربوط به سهم متغیرها در پیش‌بینی دزدگی زناشویی

سطح معناداری	مقدار t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		مدل
			B	خطای استاندارد	
۰/۰۰۱	۲۳/۳۸		۵/۳۴	۱۸۳/۱۴	۱ ضریب ثابت
۰/۰۰۱	۶/۶۵	۰/۱۶۳	۰/۱۶	۰/۵۲	سبک دلبستگی نزدیک بودن
۰/۰۰۱	۲۳/۳۸		۶/۸۵	۱۸۹/۶۳	۲ ضریب ثابت
۰/۰۰۱	۶/۶۵	۰/۱۶۳	۰/۱۶	۰/۵۲	سبک دلبستگی نزدیک بودن
۰/۰۰۱	۶/۶۳	۰/۱۶۸	۰/۱۶	۰/۴۹	سبک دلبستگی اضطرابی
۰/۰۰۱	۲۶/۳۹		۷/۵۲	۱۳۲/۱۶	۳ ضریب ثابت
۰/۰۰۱	۶/۶۵	۰/۱۶۳	۰/۱۶	۰/۵۲	سبک دلبستگی نزدیک بودن
۰/۰۰۱	۶/۶۳	۰/۱۶۸	۰/۱۶	۰/۴۹	سبک دلبستگی اضطرابی

نتایج جدول ۹ سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین را در پیش‌بینی ملاک‌های همسرگزینی نشان می‌دهد. در مدل (۱) تنها سبک دلبستگی نزدیک بودن در پیش‌بینی دزدگی زناشویی سهم داشته است که این سهم برابر با $\beta=0/16$ بوده است. در مدل (۲)، علاوه بر سبک دلبستگی نزدیک بودن، سبک دلبستگی اضطرابی نیز دارای سهمی برابر با $\beta=0/16$ است. در مدل (۳) علاوه بر سبک دلبستگی نزدیک بودن و سبک دلبستگی اضطرابی دارای سهمی برابر با $\beta=0/126$ است.

بنابراین باید گفت که بیشترین سهم مربوط به سبک دلبستگی اضطرابی هست ($\beta=0/168$)، سهم بعدی مربوط به سبک دلبستگی نزدیک بودن که دارای سهمی برابر با $\beta=0/163$ است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین دزدگی زناشویی و سبک‌های دلبستگی معلمان مرد متأهل دوره ابتدایی منطقه عشایر شهرستان لردگان انجام گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سطح معنی‌داری به دست آمده در رابطه میان دزدگی زناشویی با سبک دلبستگی اضطرابی، نزدیک بودن از ۰/۰۵ کوچک‌تر هست. بنابراین رابطه میان آن‌ها معنی‌دار است؛ اما میان دزدگی زناشویی و سبک دلبستگی وابستگی رابطه معنی‌دار وجود ندارد.

نتیجه به دست آمده از تحقیق حاضر با تحقیق دهقان و همکاران (۱۳۹۵)، بختیارپور، عامری و ادیب راد (۱۳۹۳) در تأیید رابطه میان دزدگی زناشویی با سبک‌های دلبستگی همسو می‌باشد.

سبک‌های دلبستگی در دزدگی زناشویی تأثیر بسیار دارد. سیستم‌های دلبستگی در جریان وقایع استرس‌زای زندگی، از قبیل تعارض‌ها، فعال‌شده و لذا در زمینه موقعیت‌های تعارض‌زا، از هر یک از سبک‌های دلبستگی، رفتارها و تظاهرات هیجانی خاصی سر برمی‌آورند؛ بنابراین داشتن سبک دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی)، باعث می‌شود که این افراد تجارب رمانتیک و ارتباطی خود را از دیدگاه منفی بنگرند و در نتیجه در جریان تعارضات زناشویی درگیر روش‌های غیرسازنده حل تعارض شده و نهایتاً کیفیت زناشویی آن‌ها

Relationship between marital disturbance and attachment styles of married male teachers in the tribal area of

تحت تأثیر قرار می‌گیرد که منجر به دلزدگی زناشویی می‌گردد که در تبیین این نتایج می‌توان گفت که چنین همسرانی در رابطه با یکدیگر صمیمیت نداشته، نمی‌توانند برای ارضای نیازهای خود بر دیگری (همسرش) تکیه کنند و از رابطه‌شان لذت نمی‌برند. نیاز به صمیمت و ارزشمند بودن بین زن و شوهر ارضا نمی‌شود و زوجین در جریان ارتباط خود و به هنگام بروز مشکلات حامی یکدیگر نیستند. با وجود اینکه تمامی ازدواج‌ها به‌نوعی سرخوردگی را تجربه می‌کنند، اما بسیاری از این ازدواج‌ها با کیفیت پایین ادامه یافته و زندگی متأهلی بی‌ثباتی را تشکیل می‌دهند که متمایل به فروپاشی است و اگرچه ممکن است لزوماً به طلاق منجر نشود، ولی مسلماً با فراوانی افکار و تصورات درباره جدایی همراه خواهد بود. دلزدگی زناشویی زمانی ظاهر می‌شود که زوج متوجه می‌شوند با وجود تمام تلاشی که کرده‌اند، این رابطه به زندگی‌شان هیچ معنا و مفهوم خاصی نداده و هرگز نخواهد داد. انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف‌کننده عشق، افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی و جمع شدن رنجش‌های کوچک به بروز دلزدگی زناشویی می‌شود. از آنجا که افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی، قادر به برقراری روابط عمیق و صمیمی با یکدیگر نیستند، بنابراین از ارتباط زناشویی خود رضایت پایینی دارند و تعارض‌های میان فردی بیش‌تری را به خصوص در رابطه با همسر خود تجربه می‌کنند که خود یک عامل قوی و زمینه‌ساز برای دلزدگی زناشویی است (زارعی و احمدی، ۱۳۹۴).

منابع

- اسدی، عدالت؛ فتح‌آبادی، جلیل؛ شریفی، فؤاد محمد (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین دلزدگی زناشویی، باورهای بدکارکردی جنسی و احقاق جنسی در زنان متأهل، مقاله ۷، دوره ۳، شماره ۴.
- بابانظری، لاله (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی، رضایت زناشویی و اضطراب حاملگی زنان باردار شهر شیراز، مقاله جلد ۴، دوره ۶، شماره ۱.
- حمیدی، فریده. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. فصلنامه خانواده‌پژوهشی، سال سوم، شماره ۹، صص ۳۶-۴۲.
- رجایی، علیرضا. (۱۳۹۶). هوش معنوی؛ دیدگاه‌ها و چالش‌ها. پژوهشگاه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، ۵(۲۲)، ۴۹-۲۱.
- زارعی، اقبال؛ احمدی سرخونی، طاهره (۰). نقش پیش‌بینی‌کننده‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر بندرعباس، سال ۲۰، شماره ۲.
- عیدی، رقیه؛ خانجانی، زینب (۱۳۹۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی، فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، سال اول، شماره ۵.
- فتیحی، الهام؛ اعتمادی، احمد؛ حاتمی، ابوالفضل؛ گرجی، زهرا (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- کرمی، ابوالفضل؛ حسنی پدرام، رضا (۱۳۹۵). هنجاریابی مقیاس رضایت زناشویی پراکاس و رابطه آن با سبک‌های دلبستگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- لطفی کاشانی، فرح و وزیر، شهرام. (۱۳۹۳). روانشناسی بالینی کودک، انتشارات ارسباران، صص ۱۳۶-۱۴۴.
- مظاهری، محمدعلی (۱۳۹۵). نقش دلبستگی بزرگ‌سالان در کنش وری ازدواج، مجله روانشناسی ۱۵- سال چهارم، شماره ۳.
- موسوی، سیدابراهیم (۱۳۹۴). بررسی تأثیر خانواده درمانی ساختی بر کاهش اختلالات رفتاری و رفتارهای نافرمانی ستیزه‌جویی در کودکان ۵-۱۰ سال، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی تهران.

- Bowlby, J (1980). Attachment and loss: Vol.3. loss. New York: basic books. 3,128-135.
- Diener ED, Suh EM, Lucas RE& Mith HL(2012). Subjective well- being Three Decades of well-being. Psychological Bulletin 1999; 125: 276-302.
- Fabricator, A, Handle, P, & Fenzel, M. (2015). Personal spirituality as a moderator between stressors and subjective well-being. *Journal of Psychology & Theology*, 28(3), 221-228.
- Feeney,J.A,& Noller,P. (2017). Attachment style as a predictor of adult Romantic Relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*,58, 282- 292.
- Lee Ty, Sun GH, Chao SC(2016).The effect of an infertility diagnosis on the distress, marital and sexual satisfaction between husbands and wives in taiwan. *Journal Hum Reprod*;16: 1762-7.
- Starks, S, & Hughey, A. M. (2017). Africa American women at midlife: The relationship between spirituality and life satisfaction. *Journal of Africa American Women*, 18(2), 133-147